

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.286545.1727>

**Abstract**

A welfare state is a government in which the provision and improvement of public welfare is the legal duty of the institutions of power. But this goal does not constitute an extra-legal act, or in other words, an act against the law by executors or citizens. Such a government will help all those who, for whatever reason, cannot afford it. This is done through the payment of a pension (minimum income) or other cash assistance. A welfare state means having prudent and intelligent policies to ensure at least a minimum standard of living for all and to promote equality in life opportunities, in which there is no doubt that all formal institutions need to focus on the provision of public services; Social security is a universal system of compulsory insurance. Social insurance consists of pension insurance, government health insurance, unemployment insurance and accident insurance; Governments provide social security because markets have failed to insure many of the important risks to individuals. On the other hand, the welfare state is a completely law-abiding government because the provision of free services always makes the profiteers think of abusing the predefined welfare benefits, which must be prevented and the violators punished. We will pay the duties of the Social Security Organization in order to provide services and fully comply with the laws

### تأملی بر دولت رفاه در نظام حقوقی ایران

مهرداد بدیعی<sup>۱</sup>

غلامحسین مسعود<sup>۲</sup>

فرامرز عطریان<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۰۷

#### چکیده

دولت رفاه به دولتی گفته می‌شود که در آن تأمین و بهبود رفاه عمومی وظیفه قانونی نهادهای قدرت است. اما این هدف به منزله عمل فرا قانونی و یا به عبارت دیگر عمل بر خلاف قانون از طرف مجریان و یا شهروندان نیست. چنین دولتی به همه کسانی که به هر دلیل نتوانند هزینه‌های خود را تأمین کنند کمک رسانی می‌کند. این کار از طریق پرداخت مستمری (و یا کمک‌های نقدی دیگر انجام می‌شود). دولت رفاه به معنی وجود سیاست‌های سنجیده و هوشمندانه‌ای در زمینه تأمین دست‌کم حداقل استاندارد زندگی برای همه و ارتقای برابری در فرصت‌های زندگی است که در آن هیچ تردیدی در زمینه ضرورت تمرکز همه نهادهای رسمی بر تأمین خدمات همگانی وجود ندارد؛ تأمین اجتماعی یک سیستم همگانی از بیمه‌های اجباری است. بیمه اجتماعی از بیمه‌های بازنشستگی، بیمه‌های دولتی درمانی، بیمه‌های بیکاری و بیمه حوادث و تصادف‌ها تشکیل می‌شود؛ دولت‌ها تأمین اجتماعی را به این دلیل فراهم می‌کنند که بازارها در بیمه کردن بسیاری از ریسک‌های مهم پیش‌روی افراد، شکست خورده‌اند. از طرفی دولت رفاه، دولتی کاملاً قانون‌محور است چرا که عرضه خدمات رایگان همواره سودجویان را به فکر سو استفاده از مزایای از پیش تعریف شده رفاهی می‌اندازد که می‌بایست در عین جلوگیری، به کیفر متخلفین نیز پرداخته شود. در این پژوهش به وظایف سازمان تأمین اجتماعی در راستای تأمین خدمات و رعایت کامل قوانین خواهیم پرداخت.

کلیدواژه: دولت رفاه، کیفر، تأمین اجتماعی، مستمری، بازنشسته.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران  
<sup>۲</sup> دانشیار گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران (نویسنده مسئول)

[gh.masoud@iaun.ac.ir](mailto:gh.masoud@iaun.ac.ir)

<sup>۳</sup> استادیار گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

[atrian.f.1001@yahoo.com](mailto:atrian.f.1001@yahoo.com)

حقوق تامین اجتماعی مقوله ای است که به ابزارها و ساختارهای حقوقی تامین نیازهای اولیه همچون خوراک، پوشاک، مسکن، درمان، پیری، بیکاری و... می پردازد و مقرراتی که دولت را موظف می کند به هنگام پریشانی ها و تنگناهای اجتماعی و اقتصادی شهروندان را مورد حمایت قرار دهد و جامعه را نیز از سواستفاده از امکانات فراهم شده بر حذر می دارد موضوع این مبحث حقوقی است.

حقوق تامین اجتماعی در کشورهای پیشرفته متناسب با ساختار نظام تامین اجتماعی آنان نهادینه شده است. در کشور ما با وجود این که حداقل دو سوم جمعیت آن با مسائل تامین اجتماعی از قبیل بیمه درمانی، بازنشستگی، مستمری ناشی از فوت یا از کار افتادگی سر و کار دارند اما در زمینه جنبه های نظری و ابعاد حقوقی موضوع، کار چندانی صورت نگرفته است و ادبیات حقوق ایران در این زمینه بسیار فقیر است. استوار سنگری، کوروش (۱۳۹۰). کما اینکه مشکلات معیشتی نیز محرک بخشی از شهروندان برای تلاش برای دور زدن قانون و بهرمندی ناروا از امکانات تعریف شده قانونی است که در قانون تامین اجتماعی از ماده ۹۷ به بعد نیز پیشینی و جرم انگاری شده است.

بنا بر تعریف ارائه شده از سوی اتحادیه بین المللی تامین اجتماعی، تامین اجتماعی می تواند شامل برنامه های بیمه اجتماعی، برنامه های حمایت اجتماعی، برنامه های همگانی، برنامه های تعاونی، صندوق های ملی احتیاط، و سایر طرح ها از جمله رویکردهای مبتنی بر بازار گردد، که بنا بر روش یا قانون ملی، بخشی از سیستم تامین اجتماعی یک کشور را تشکیل می دهند.

واژه "Welfare"، اشاره به حالتی از سلامت، شادی، سعادت، خوب بودن و مساعدتی به ویژه به صورت پول، غذا و دیگر مایحتاج ضروری که به نیازمندان ارائه می شود، دارد. این کلمه ابتدا به صورت مصدر "To well fare" به کار می رفته؛ که به معنای خوب بودن و خوش گذرانیدن بوده است. کلمه "Social" نیز متضمن ارتباط رفاه با جامعه و مقابله با خطراتی است که در زندگی جمعی با آن روبرو هستیم. در مجموع این مفهوم به معنای حالتی از زندگی مناسب است. میجلی، جیمز - جغتایی، محمد علی (۱۳۷۸)

در تعالیم اسلام تعبیری که گویای "تامین اجتماعی" و حمایت های اجتماعی باشد وجود دارد که یکی از مقوله های مهم حکومت به شمار آمده است. از دیدگاه اسلام، همه انسان ها در برابر بی عدالتی و فقر در جامعه مسئول اند و برای تحقق تامین اجتماعی در جامعه اسلامی به دو بخش تدابیر حکومتی و فردی اشاره شده است. تدبیر حکومتی شامل مواردی از تامین اجتماعی است که بر مبنای آن حکومت بخش از ثروت ثروتمندان را طبق ضوابطی (مانند زکات و خمس که در صورت استنکاف از پرداخت ولی و حاکم می توانند مستنکف را اجبار به پرداخت نمایند (دریافت می کند تا برای مصارف عمومی و رفع فقر هزینه کند. تدابیر فردی نیز شامل مصداق هایی از تامین اجتماعی است که بر مبنای آن افراد به میل و اختیار خود) مانند صدقه، نذر، انفاق، وقف و... (به نیازمندان کمک می کنند). بی ازار شیرازی، عبدالکریم (۱۳۶۳)

شاخص هایی که در کشور ایران برای رفاه اجتماعی (با توجه به قانون اساسی و قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی) در نظر گرفته می شود، عبارت اند از: آموزش و پرورش، بهداشت، درمان، تغذیه، مسکن، اشتغال جمعیت و نیروی انسانی، هزینه و درآمد تامین اجتماعی.

در کنار شاخص‌های اصلی، چند شاخص فرعی نیز برای رفاه در نظر گرفته می‌شود؛ از جمله: گذران اوقات فراغت، دسترسی به تسهیلات فرهنگی و مذهبی، محیط زیست و امنیت فرد در برابر تجاوزات مالی و جانی (مسعود اصل، ایروان ۱۳۸۸)

## دولت رفاه

ارتقای سطح رفاه یکی از ویژگی‌های کشورهای نوین است که پیوندهایی دوگانه با دموکراسی دارند. رفاه و امنیت اجتماعی جزء کارکردهای اصلی حکومت‌های جدیدند و به همین دلیل است که آن‌ها را غالباً دولت‌های رفاه می‌خوانند. اصطلاح دولت رفاه غالباً در دو معنا به کار گرفته می‌شود.

الف (به عنوان دولت‌های دموکراتیک با نظام اقتصادی مختلط) بخش دولتی و بخش خصوصی (که در آن دولت عهده‌دار ارائه بخش بزرگی از خدمات اجتماعی محسوب می‌شود).

ب (به عنوان نظامی سیاسی که در آن دولت از طریق انواع بیمه‌ها و تضمین‌های همگانی دولتی، امور اجتماعی، بهداشتی، اقتصادی و تحصیل شهروندان و حتی غیر شهروندان) اتباع خارجی مستقر در آن کشور (را فراهم می‌سازد).

دولت رفاه دولتی است که نهادهای قدرت از طریق قانون، وظیفه‌ی تهیه و بهبود رفاه عمومی را وظیفه‌ی مقدم و اصلی خود می‌شمارند. دولت رفاه در عمل، بدان اثبات این امر است که هیچ کس بدون درآمد نمی‌تواند زندگی کند لذا دولت به همه‌ی کسانی که به نحوی از انحاء و بنابر هر دلیلی قادر به تأمین هزینه‌های معمول خود نیستند، کمک‌های نقدی و یا غیر نقدی می‌کند. بدین ترتیب دولت یا از طریق تضمین یک حداقل درآمد ثابت (به عنوان مثال حقوق بیکاری، بیمه‌ی سالخوردگی (یا از طریق کمک‌های نقدی یا غیر نقدی دیگر) مانند فراهم کردن امکان تحصیل رایگان)، در هنگام سوانح کاری، ناتوانی جسمی و روحی، بیماری، سالخوردگی و فشارهای اقتصادی و ناتوانی موقعیت افراد را تضمین می‌کند. (رحیق اغصان، علی ۱۳۸۴)

سیاست‌گذاری‌های کلان رفاهی از طریق اعمال حاکمیت مقامات حاکم صورت گرفته و به اصطلاح دولت رفاه نامیده می‌شود. در این نوع حکومت اصل بر ایجاد شرایط مطلوبی است که در آن حکومت نهایت تلاش خود را با توجه به اوضاع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و از همه مهمتر اقتصادی کشور در جهت آسایش اتباع و دیگر شهروندان غیر تابع به عمل می‌آورد. با توجه به کلان بودن سیاست‌های اجرایی و اهمیت موضوع، دولت‌ها نمی‌توانند این امر را به سازمان‌های خصوصی، گروه‌ها یا انجمن‌ها بسپارند و همواره خود ناظر و مجری اجرای این سیاست‌ها بوده‌اند. این سیاست‌ها شامل اموری همچون پرداخت مزایای بیکاری، مزایای تکمیلی در جهت جبران کاستی‌ها، بازنشستگی، مرخصی‌های زایمان و استحقاقی، آموزش و پرورش و شبکه بهداشت رایگان عمومی، مسکن و اشتغال... با هدف حمایت از احاد جامعه در مقابل فقر و حوزه سلامت می‌شود.

در جوامع نوین برنامه‌های رفاهی حاکم بر سیاست‌ها به حوزه‌های خاصی همچون سلامت و بیمه‌های اجتماعی محدود نمی‌شوند. بلکه مواردی همچون حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی و فرهنگی و حتی حقوقی جامعه را (با هدف کاهش میزان جرایم و بزه کاری اتباع و همچنین آگاهی شهروندان به حقوق

شهروندی خود (دربار میگیرد. که این گستردگی ارائه خدمات موجب ایجاد اشتیاق برای سزاوار جلوه دادن خود برای بهره مندی از این مزایا می گردد که این امر موجب زیان کلان دولت و اجتماع می شود. کما اینکه ارائه خدمات رفاهی برای دولت ( شخصیت حقوقی دولت و یا صندوق های بیمه ( بسیار هزینه بر بوده و از طرفی آشکار شدن این تخلفات موجب بی اعتمادی دولت ها در ارائه خدمات گسترده به عموم می گردد. از همین رو معمولاً مجازات های شدیدی را برای متخلفین در نظر می گیرند.

در حال حاضر دولت ها در راستای ۳ محور به سیاست گذاری های کلان در خصوص رفاه اجتماعی اقدام می نمایند:

الف) تلاش در جهت حل و کنترل مسائل و معضلات جامعه به این ترتیب که برنامه های رفاهی باید در بردارنده سیاست هایی در جهت مسائلی همچون خشونت و استعمال مواد مخدر، خودکشی، فقر و ... باشد.

ب) تلاش در جهت تأمین نیاز های جامعه علاوه بر نیاز های زیستی.

ج) تلاش در جهت تأمین فرصت های برابر برای همگان به جهت دستیابی به آموزش، اشتغال و ... صرف نظر از شرایط و موقعیت اجتماعی). مسعود اصل، ایروان (۱۳۸۸)

چنین دولتی وظیفه دارد برای همگان، زگهواره تا گور، امکانات پرستاری درمانی، بیمه ی بیماری و بیکاری، بازنشستگی، اعانه ی خانوادگی و مسکن و خدمات آموزشی و مانند آن ها را فراهم کند). آشوری، داریوش (۱۳۷۳). در واقع مطابق با ایده ی دولت رفاه، دولت علاوه بر برنامه ریزی و کنترل در زمینه ی بی نظمی ها و اغتشاشات داخلی و تجاوزات خارجی، تأمین امنیت و فعالیت های حمایتی و پلیسی، باید در جهت بهبود امنیت اقتصادی و گسترش تعلیم و تربیت اقدامات لازم را انجام دهد. همچنین دولت های رفاه وظایفی نظیر باز توزیع درآمد های حاصل ( مالیات ( را نیز بر عهده دارند). زندی، محمد علی (۱۳۹۳)

## دولت رفاه در ایران

اولین بار در ایران مقارن با دولت جناب آقای دکتر محمد مصدق، مفهوم دولت رفاه وارد در حقوق اساسی ما گردید. وی در اول بهمن ماه سال ۱۳۳۱ خورشیدی با توجه اختیارات فوق العاده ای که مجلس شورای ملی در باب قانونگذاری به او داده بود توانست لایحه قانونی بیمه اجتماعی کارگران را به تصویب برساند و این نقطه عطفی در جهت رسیدن مردم به رفاه نسبی بود). کوهستانی نژاد، مسعود (۱۳۸۳) اگرچه واژه بازنشستگی مستخدمین دولت در پاره ای از قوانین قبلی وجود داشت اما هیچ گونه مقرراتی در این مورد وجود نداشت، با تصویب این قانون از سوی مرحوم دکتر مصدق، برای اولین بار مقرراتی راجع به بازنشستگی و میزان مستمری بازنشستگان پیش بینی شد، از آن تاریخ به بعد این قانون بارها مورد بازنگری قرار گرفت ( میر محمدی، سید سعید (۱۳۹۴) در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصول متعددی به مبانی دولت رفاه اشاره دارد که گامی موثر در جهت نیل به دولت رفاه نسبی است ولی تا رسیدن به دولت های رفاه پیشرفته راه زیادی را باید طی بکنیم. حال به پاره ای از اصول قانون اساسی و موادی از قوانین موضوعه که در آنها به مبانی دولت رفاه اشاراتی شده است می پردازیم:

۱) تامین نیازهای اساسی: بند یک اصل ۴۳ قانون اساسی، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران را بر اساس ضوابطی استوار می‌سازد که یکی از آنها تامین نیازهای اساسی مردم مانند مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه است. از اصول اولیه و مبانی دولت رفاه این است که حداقل امکانات رفاهی برای شهروندان فراهم گردد و نیازهای اساسی آن‌ها تامین شود تا بتوانند با همین حداقل‌ها گذران زندگی بکنند، بند یک اصل ۴۳ قانون اساسی به خوبی به این موضوع اشاره داشته و اصل سی و یکم نیز بر همین نکته تکیه دارد.

۲) آموزش و پرورش رایگان: بند دوم اصل سوم قانون اساسی، آموزش و پرورش رایگان در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی را از اهداف دولت جمهوری اسلامی ایران می‌داند مطابق با اصل نوزدهم قانون اساسی، مردم ایران از هر قوم و قبیله‌ای که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و نیز بر طبق اصل بیستم همان قانون، همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برخوردارند. این اصول فراگیر، تمام محدودیت‌ها و تضيیقات نامعقول را از پیش پای ملت در برخورداری از حقوق و آزادی‌ها، برداشته و راه را برای هر گونه توجیه تبعیض آمیزی بسته است، در نتیجه هیچ محدودیت قانونی برای آموزش و پرورش از نظر سن و جنس و مرام و مسلک و یا عقیده دینی و مذهبی وجود ندارد) «هاشمی، سید محمد (۱۳۸۲) همچنین در اصل سی ام قانون اساسی تاکید شده است که دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم آورد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد، پس وصول شهریه از طرف دانشگاه‌های دولتی خلاف اصل سی ام قانون اساسی است و چون باعث تبعیض در پرداخت شهریه خواهد شد در نتیجه از اصول اولیه و مبانی دولت رفاه به دور است.

پس در اصول مذکور به خوبی رد پاهایی از مبانی دولت رفاه دیده می‌شود. کار و بیمه بیکاری بند دوم اصل چهل و سوم قانون اساسی یکی از ضوابط اقتصادی کار را بدین ترتیب پیش بینی نموده است: «در تامین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسائل کار ندارند» (بند چهارم همین اصل تاکید بر رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری دارد.

اهم سیاست‌های قانونی در مقابله با بهره‌کشی که دولت موظف به اجرای آن می‌باشد بدین ترتیب است:

۱. حفظ امنیت شغلی کارگران در جریان کار.

۲. حمایت کارگران در مقابل اخراج.

۳. حمایت از فراغت کارگران از طریق اعطای قانونی تعطیلات و مرخصی‌ها.

۴. سیاست‌گذاری اجرت منصفانه و رضایت بخش کار.

۵. برقراری ضوابط ایمنی و بهداشت کار.

۶. هدایت کارگران به ایجاد تشکل های کارگری و انعقاد پیمان های جمعی کار در جهت ارتقاء وضعیت اقتصادی و اجتماعی خود.

۷. فراهم نمودن زمینه های مناسب برای ایجاد خدمات رفاهی در کارگاه ها (همان)

از جهتی دیگر در بند ۱۲ اصل سوم قانون اساسی، پی ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طرق ضوابط اساسی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تامین بیمه را از وظایف دولت می داند، پس دولت وظیفه دارد که برنامه ریزی کاملی در جهت توزیع عادلانه منابع در زمینه کار و اشتغال و تامین بیمه کارگران انجام دهد تا بتواند گامی در مسیر رسیدن به رفاه نسبی و رفع فقر انجام دهد و این از اصول اصلی دولت رفاه است. اصل بیست و هشتم قانون اساسی مقرر می دارد که هر کسی حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نباشد انتخاب کند و نیز اعلام می دارد که دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید، که این خود نیز تاکید و تاییدی بر بند ۱۲ اصل سوم قانون اساسی و در نتیجه مبانی دولت رفاه است. بند ۴ اصل بیست و یکم قانون اساسی به ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست می پردازد و نیز می دانیم که بیمه بیکاری از کار افتادگی سالخوردگان و زنان بی سرپرست از دیرباز مورد توجه طرفداران دولت رفاه بوده و هست. تامین اجتماعی اصل بیست و نهم قانون اساسی مقرر می دارد: «برخورداری از تامین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کار افتادگی، بی سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت های پزشکی به صورت بیمه و غیره، حقی است همگانی، دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت های مالی فوق را برای یک فرد کشور تامین کند.» نکته مهم در اصل ۲۹ این است که برخورداری از تامین اجتماعی به مفهوم وسیع آن حقی همگانی اعلام شده و عموم افراد صرف نظر از تعلقات مذهبی، سیاسی و غیره نیز از آن برخوردار هستند و کسی را به این دلیل نمی توان از آن ها محروم کرد، قانون اساسی ارائه خدمات و حمایت های مذکور را از وظایف دولت دانسته که از محل درآمدهای عمومی و مشارکت مردم این امر باید ساماندهی شود. بدیهی است که یک نظام تامین اجتماعی مناسب در یک روند تاریخی و با توجه به شرایط اقتصادی جامعه به وجود می آید و تدوین کنندگان قانون اساسی ایجاد نظام تامین اجتماعی را اقدامی که صرفاً با وضع قانون میسر می باشد در نظر نداشته اند بلکه باید سایر شرایط اقتصادی، اجتماعی فراهم شود. طبیعتاً از آنجا که در قانون اساسی کلیات و اصول بیان می شود برای اجرای اصول آن از جمله اصل ۲۹ باید قوانین عادی متعددی که جزئیات در آن بیان شود وضع شود. قوانین عادی موجود گام هایی در جهت رسیدن به نظام تامین اجتماعی مطلوب و رفع فقر و محرومیت می باشند. قانون تامین اجتماعی (مصوب ۳/۴/۱۳۵۴ و بیمه بیکاری) مصوب (۲۶/۶/۱۳۶۹) از جمله قواعدی است که در ارتباط و یا در اجرای اصل مذکور تاکنون به اجرا در آمده است که می تواند سهم قابل توجهی در مقابله با فقر و محرومیت به شمار آید. همان (این اصول از قانون اساسی و قوانین عادی مصوب، به روشنی به وظایف دولت رفاه اشاره دارد.

تامین اجتماعی

مشهور است که اصطلاح تأمین اجتماعی یا **Social security** برای اولین بار، به طور رسمی، در قانون ۱۹۳۵ ایالات متحده آمریکا به کار رفت. دفتر بین‌المللی کار (۱۹۹۲ این قانون را باید سند تولد تأمین اجتماعی دانست و شاید هم درست‌تر این باشد که آن را سند مرگ بدانیم، مرگ اندیشه آزادی اقتصادی به گونه‌ای افراطی که تا سال ۱۹۲۹ بر ایالات متحده حکمفرمایی داشت. بیکاری از نتایج مهم بحران اقتصادی بود که از اکتبر سال ۱۹۲۹ در آمریکا آغاز شد و آثار نامطلوبی بر اقتصاد و جامعه آمریکا نهاد. روزولت، رئیس‌جمهور آمریکا که در سال ۱۹۳۲ انتخاب شده بود به اصل عدم مداخله دولت در مسائل اقتصادی و اجتماعی معتقد نبود و در حقیقت قائل به دکترین دولت رفاهی در برابر دولت ژاندارم بود. سیاست او موسوم به **Newdeal** منجر به تصویب قوانین متعدد، از جمله قانون ۱۴ اوت ۱۹۳۵ در مورد تأمین اجتماعی شد. عراقی، سید عزت‌الله (۱۳۸۶)

البته، بنابر نظر عده‌ای، اصطلاح تأمین اجتماعی، قبل از آن قانون، در روسیه و در فرمانی در اکتبر ۱۹۱۸، یعنی یک سال بعد از انقلاب روسیه به کار برده شده است و به طور غیررسمی نیز در جمله‌ای معروف از بلیوار - که یک دولتمرد و مبارز آمریکای لاتین بود - به کار رفته است. وی می‌گوید: «کامل‌ترین نظام حکومتی آن است که بیشترین میزان» تأمین اجتماعی «و بیشترین میزان» امنیت سیاسی «را فراهم آورد. البته در هر دو مورد، برای «تأمین اجتماعی» و «امنیت سیاسی»، واژه **security** به کار رفته، ولی در فارسی یکی را «تأمین» و دیگری را «امنیت» ترجمه می‌کنند. با توجه به این که بلیوار در سال ۱۸۳۰ در گذشته است، بنابراین کاربرد این واژه به اوایل قرن ۱۹ بر می‌گردد.

تأمین اجتماعی به مجموعه اقدامات سازمان یافته‌ای که جامعه برای حمایت از اعضای خود به هنگام تنگناهای اقتصادی و اجتماعی (مانند بیماری، بیکاری، حادثه ناشی از کار، پیری و از کارافتادگی و مرگ سرپرست خانواده که فرد و خانواده اش را دچار بحران می‌کند (پیش‌بینی و انجام می‌دهد). نوروز طالقانی، ابوالقاسم (۱۳۷۴)

در مقاله نامه شماره ۱۰۲ سازمان بین‌المللی کار نیز به نوعی تأمین اجتماعی بدین صورت تعریف شده است: تأمین اجتماعی به منزله‌ی حمایتی است که جامعه در قبال پریشانی‌های اجتماعی و اقتصادی پدید آمده و به واسطه‌ی قطع یا کاهش شدید درآمد افراد بر اثر بیکاری، بیماری، بارداری، از کارافتادگی، سالمندی، فوت و همچنین افزایش هزینه‌های درمان و نگهداری خانواده به اعضای خود ارائه می‌دهند. موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی (۱۳۷۹)

### تأمین اجتماعی در ایران

سابقه تأمین اجتماعی در ایران به تصویب اولین قانون استخدامی کشوری در سال ۱۳۰۱ باز می‌گردد که طی آن، نظامی برای بازنشستگی به وجود آمد. در این قانون، سه اصل تأمین اجتماعی که عبارت بودند از فراهم کردن «حقوق و تأمین خاص» برای کسانی که پس از خدمت، توانایی فعالیت خود را از دست می‌دهند، «مقرری خاص» برای کسانی که به علت حادثه‌ای، علیل و از کار افتاده شوند و «حمایت کارفرمایان» از خانواده هر مستخدم که فوت شود، به چشم می‌خورد. در اولین اقدام، طرح تشکیل «صندوق احتیاط کارگران راه‌آهن» در



سال ۱۳۰۹ به تصویب دولت رسید. در این مصوبه، دولت تسهیلات خاصی را برای کارگران ضایعه دیده یا فوت شده در حین احداث راه آهن پیش‌بینی کرد. در سال ۱۳۱۵ «نظام‌نامه کارخانجات و موسسات صنعتی» برای کارگران بخش صنعت به تصویب هیات دولت رسید.

در سال ۱۳۲۵، قانون کار از تصویب هیات دولت گذشت. طبق این قانون، کارفرمایان، علاوه بر اینکه مکلف به رعایت قانون بیمه کارگران بودند، باید دو صندوق شامل صندوق بهداشت) برای کمک به کارگر در مورد بیماری‌هایی که ناشی از کار نباشد (و صندوق تعاون) برای کمک در امور ازدواج، عائله‌مندی، بیکاری، از کار افتادگی، بازنشستگی، حاملگی و غیره (را در هر کارگاه تشکیل می‌دادند. در سال ۱۳۲۸، وزارت کار رسماً تاسیس گردید و طبق ماده ۱۶ قانون کار مصوب ۱۷ خرداد ۱۳۲۸، مقرر شد صندوقی به نام «صندوق تعاون و بیمه کارگران» برای معالجه و پرداخت غرامت کارگران تشکیل شود. در ادامه در اواخر سال ۱۳۳۱ و در دوره نخست وزیری دکتر محمد مصدق، «لایحه قانونی بیمه‌های اجتماعی کارگران» (برای اولین بار به تصویب رسید و طبق آن سازمان مستقلی به نام «سازمان بیمه‌های اجتماعی کارگران» تاسیس شد. این سازمان مکلف و متعهد شد کمک‌ها و مزایای مقرر در لایحه را در مورد کارگران و کارمندانی که بیمه می‌شدند، اعمال کند. در پی مجموعه تحولات یادشده، به موجب تصویب‌نامه‌ای که در فروردین ۱۳۴۲ به تصویب هیات وزیران رسید، سازمان بیمه‌های اجتماعی کارگران به «سازمان بیمه‌های اجتماعی» تغییر نام یافت تا زیر نظر وزارت کار و امور اجتماعی به فعالیت خود ادامه دهد. بیمه‌های اجتماعی روستاییان «در سال ۱۳۴۷ به تصویب رسید که در سال ۱۳۵۴ در سازمان تامین اجتماعی ادغام شد. در سال ۱۳۵۱ با تصویب قانون تامین خدمات درمانی مستخدمان دولت، «سازمان تامین خدمات درمانی» تشکیل شد. تشکیل وزارت رفاه اجتماعی، تحول دیگری بود که در سال ۱۳۵۳ روی داد. این وزارتخانه، تقریباً تمامی امور مربوط به بیمه درمان و رفاه اقشار مختلف جامعه را تحت پوشش خود قرار داد. در این میان، تصویب «قانون تامین اجتماعی» در تیرماه ۱۳۵۴ و تشکیل «سازمان تامین اجتماعی» (را می‌توان آغازگر تحولی نو در نظام تامین اجتماعی کشور دانست. در سال ۱۳۵۵ با تصویب قانونی که منجر به انحلال وزارت رفاه و تشکیل وزارت بهداشتی و بهزیستی شد، سازمان تامین اجتماعی به «صندوق تامین اجتماعی» تغییر نام داد و تعهدات و امکانات درمانی آن به وزارت بهداشتی و بهزیستی محول شد. اما این تغییر، چندان دوام نیاورد و با تصویب لایحه‌ای در شورای انقلاب در سال ۱۳۵۸، سازمان تامین اجتماعی دوباره احیا شد.

تحول عمده در حقوق تأمین اجتماعی ایران را باید تصویب لایحه قانونی بیمه‌های اجتماعی در سال ۱۳۳۱ و پس از آن، تصویب قانون بیمه‌های اجتماعی در تیر ماه ۱۳۳۴ و سپس قانون بیمه‌های اجتماعی در اردیبهشت ماه ۱۳۳۹ دانست.

هر کدام از این قوانین در واقع تجدید نظری در قانون پیش از خود محسوب می‌شدند. در مقررات جدید حق بیمه مشترک بر عهده کارگر و کارفرما بود و در بیشتر موارد کارگر ۵ درصد و کارفرما ۱۳ درصد را عهده دار بودند؛ ولی دولت دخالتی نداشت. از نظر حقوقی، نظام قوانین تصویب شده فوق، همان گونه که از نام آن پیدا است، نظام بیمه‌های اجتماعی نیست و ارائه دهنده مزایا، شرکت‌های خصوصی بیمه نیستند؛ بلکه خود دولت محسوب می‌شود؛ یعنی در حقیقت، دولت ضرورت دخالت خود را در بیمه‌های بازرگانی بیشتر از گذشته احساس کرده است. تصویب قانون تأمین اجتماعی مصوب تیر ماه ۱۳۵۴ را باید نقطه عطفی در تاریخ تأمین اجتماعی ایران دانست. این قانون، هم از نظر ارائه مزایا و هم از لحاظ مشمولان از قوانین قبلی گستره بیشتری

دارد؛ نکته ای مهم و درخور ذکر این است که قانون تأمین اجتماعی سال ۱۳۵۴ هرچند نام «تأمین اجتماعی» را بر خود دارد، ولی در حقیقت همان «بیمه های اجتماعی» است و مقایسه اش با آنچه اصل ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می دارد به خوبی این استنباط را تأیید می کند. اصل ۲۹ قانون اساسی تعریف کاملی از تأمین اجتماعی ارائه می دهد. البته سازمان تأمین اجتماعی که مسئول اجرای قانون تأمین اجتماعی سال ۱۳۵۴ است تنها سازمان متولی تأمین اجتماعی به مفهوم واقعی در کشور ما نیست، بلکه سازمان ها و نهادهای مختلفی همچون کمیته امداد، بنیاد شهید، سازمان بهزیستی و ... نیز در راستای تحقق تأمین اجتماعی فعالیت می کنند؛ ولی هنوز تا رسیدن به معنای واقعی تأمین اجتماعی - به وصف مذکور در اصل ۲۹ قانون اساسی - راهی دراز در پیش است. البته لازم به ذکر است که با تصویب قانون تأمین اجتماعی که موجب تشکیل سازمان تأمین اجتماعی نیز گردید قدم اصلی در راستای اقدامات تأمینی برداشته شده بود. در این قانون که به جهت اجرا و تعمیم و گسترش انواع بیمه های اجتماعی و استقرار نظام هماهنگ و متناسب نگارش یافته است علاوه بر اعلام تکالیف دولت، صندوق ها و کارفرمایان به اعلام و جرم انگاری تخلفات ممکن که موجب ورود زیان به سازمان گردد اقدام گردیده و میزان مجازات را نیز مشخص نموده اند.

شایان ذکر است با تصویب قانون فوق قوانین قبلی مرتبط شامل قانون بیمه های اجتماعی و اصلاحات آن، قانون افزایش مستمری های برخی از مستمری بگیران مشمول، قانون بیمه های اجتماعی، قانون تأمین آموزش های فرزندان کارگر که با قانون تأمین اجتماعی مغایرت داشت لغو گردید.

تصویب قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی در تاریخ ۲۱ اردیبهشت ماه ۱۳۸۳، قدمی بسیار مهم در راستای تحقق تأمین اجتماعی و اجرای اصل ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و حتی وسیع تر از آن، خدمات اجتماعی و رفاه اجتماعی محسوب می شود و اگر شرایط اقتصادی و اجتماعی ایران اجرای آن را اجازه دهد امید می رود در آینده، آثار زیان بار فقر تا حدودی کاهش یابد و دولت بتواند، اگر نه به فقرزدایی کامل، دست کم در کم تر کردن گستره آن به موفقیت هایی دست یابد. عراقی، سید عزت الله (۱۳۸۶)

#### وظایف سازمان تأمین اجتماعی در قبال بیمه شدگان

حمایت هایی که سازمان تأمین اجتماعی از بیمه شدگان به عمل می آورد و به بیان دیگر تعهداتی که سازمان در برابر آن ها دارد و باید در شرایط مقرر در قانون آن ها را انجام دهد هشت مورد را در بر می گیرد که عبارتند از:

(۱) خدمات پزشکی (حوادث و بیماری ها)

(۲) بارداری

(۳) اغرامت دستمزد

(۴) از کارافتادگی

(۵) بازنشستگی

در ماده ۳ قانون تأمین اجتماعی هم به برخی از این حمایت‌ها اشاره گردیده است؛ در ادامه به توضیح مختصر و مفیدی در خصوص این حمایت‌ها خواهیم پرداخت.

### (خدمات پزشکی) حوادث و بیماری‌ها)

ارائه خدمات پزشکی، یکی از آشکارترین وظایف سازمان تأمین اجتماعی و انتظاراتی است که بیمه شدگان از این سازمان دارند؛ تا حدی که برخی از بیمه شدگان، دارا بودن دفترچه بیمه را مصداق بیمه شدن می‌دانند؛ موضوعی که البته صحت ندارد. افزون بر دفترچه خدمات درمانی، سازمان تأمین اجتماعی با احداث مراکز درمانی، خدمات رایگان پزشکی را در اختیار بیمه شدگان اجباری قرار می‌دهد. همچنین، ارائه خدمات مربوط به پروتزها، کمک هزینه خرید عینک، سمعک و عصا، از جمله تعهداتی است که سازمان تأمین اجتماعی در قبال بیمه شدگان پذیرفته است. (ماده ۵۸ قانون تأمین اجتماعی)

بیمه شدگان و افراد خانواده آن‌ها در صورت مصدوم شدن بر اثر حوادث و یا ابتلاء به بیماری از زمان بیمه شدن می‌توانند از خدمات پزشکی درمانی استفاده کنند.

افراد خانواده بیمه شده که مشمول مزایای قانون هستند عبارتند از (ماده ۵۴ قانون تأمین اجتماعی):

۱- همسر بیمه شده.

۲- شوهر بیمه شده در صورتی که معاش او توسط بیمه شده زن تأمین گردیده و سن او از شصت سال متجاوز باشد یا طبق نظر کمیسیون پزشکی از کارافتاده شناخته شود.

۳- فرزندان بیمه شده که دارای یکی از شرایط زیر باشد:

الف - کمتر از هیجده سال تمام داشته باشد و در مورد فرزندان اناث به شرط نداشت شوهر تا بیست سالگی و یا منحصرأ طبق گواهی یکی از مؤسسات رسمی آموزشی به تحصیل اشتغال داشته باشند.

ب - در اثر بیماری یا نقص عضو طبق گواهی سازمان قادر به کار نباشد.

۴- پدر و مادر تحت تکفل بیمه شده مشروط بر این که سن پدر شصت سال و سن مادر از پنجاه و پنج سال متجاوز باشد و یا این که به تشخیص کمیسیون پزشکی از کار افتاده باشند و در هر حال از سازمان مستمری دریافت نمایند.

خدمات درمانی پزشکی که بیمه شده و خانواده وی از آن بهره مند می شوند شامل کلیه اقدامات درمانی سرپایی، بیمارستانی، تحویل داروهای لازم و انجام آزمایش های تشخیص طبی می شود که بر عهده سازمان تأمین اجتماعی است؛ ماده ۵۵ قانون تأمین اجتماعی (و به دو صورت انجام می گیرد):

الف - روش مستقیم: در این روش بیمه شدگان و خانواده آن ها از پزشک، درمانگاه، بیمارستان ها و سایر امکانات درمانی متعلق به سازمان استفاده می نمایند، استفاده از این خدمات با ارائه دفترچه و رایگان است.

ب - روش غیر مستقیم: در این روش بیمه شدگان و خانواده در انتخاب پزشک، درمانگاه، بیمارستان، آزادی عمل دارند و سازمان تأمین اجتماعی تعهدات درمان خود را از طریق خرید خدمات درمانی انجام می دهد. به بیان دیگر در این روش بیمه شده با دفترچه به پزشک، داروخانه، بیمارستان و آزمایشگاه و سایر مراکز درمانی (که متعلق به سازمان نیست اما با سازمان قرارداد همکاری دارد) مراجعه می کند، وی در این روش قسمتی از هزینه درمان خود را شخصاً می پردازد سپس سازمان قسمتی دیگر از آن را طبق تعرفه به اشخاص و مؤسسات طرف قرارداد پرداخت می کند). استوار سنگری، کوروش (۱۳۹۰)

## ۲) بارداری

یکی از حمایت های قانونی از زنان که در مقاله نامه ها و تصویب نامه های سازمان بین المللی کار مورد تاکید قرار گرفته، حمایت از آن ها در دوران بارداری و وضع حمل است). همان (

یکی از حمایت های تأمین اجتماعی، حمایت هایی است که به مناسبت بارداری و زایمان از بیمه شده زن یا همسر بیمه شده مرد صورت می گیرد؛ در حقوق موضوعه حمایت های دوران بارداری و زایمان از قرار ذیل است:

الف) مرخصی زایمان

ب) کمک بارداری و زایمان

پ) معاینات و معالجات طبی

ج) تهیه شیر مورد نیاز کودک

د) مرخصی ساعتی برای شیردهی

حمایت های موضوع بند های « الف و د » خارج از حوزه تأمین اجتماعیو داخل در قلمرو نظام استخدامی است.

بیمه شده باید ظرف یک سال قبل از زایمان سابقه پرداخت حق بیمه شصت روز را داشته باشد؛ سوالی که در اینجا مطرح می شود این است که آیا پرداخت حق بیمه باید تحقق پیدا کرده باشد یا صرف مشمول بیمه اجباری بودن علی رغم عدم پرداخت حق بیمه از سوی کارفرما، با توجه به ماده ۳۶ قانون تأمین اجتماعی که

مقرر می‌دارد.....»: تاخیر کارفرما در پرداخت حق بیمه یا عدم پرداخت آن رافع مسئولیت و تعهدات سازمان در مقابل بیمه شده نخواهد بود»، جهت بهره‌مندی از کمک بارداری کافی است؟

به نظر می‌رسد با توجه به صراحت ماده ۶۷، تحقق پرداخت حق بیمه شصت روز در ظرف یک سال قبل از زایمان جهت بهره‌مندی از کمک بارداری ضروری است و نمی‌توان با استفاده از حکم کلی ماده ۳۶ صرفاً مشمول بیمه اجباری بودن را جهت بهره‌مندی از این حمایت کافی دانست.

نکته دیگر اینکه مستخدم زن در مدت دریافت کمک بارداری در مرخصی بوده و به کار اشتغال نداشته باشد: کمک بارداری به منظور جبران خسارات ناشی از ترک کار اعطاء می‌شود و همانند غرامت دستمزد ایام بیماری جنبه جبران خسارت دارد و این خسارت زمانی به شخص وارد می‌شود که بیمه شده در مدت استفاده از مرخصی بارداری به کار اشتغال نداشته باشد). نعیمی، عمران (۱۳۸۹)

براساس مصوبه مورخ ۱۳/۴/۸۶ مجلس شورای اسلامی مدت استراحت دوران بارداری، زایمان و شیردهی (موضوع ماده ۳ قانون ترویج تغذیه با شیر مادر) از ۴ ماه به ۶ ماه افزایش یافته است. مدت مرخصی زایمان برای وضع حمل‌های دو قلو ۶ ماه و برای زایمان‌های سه قلو یا بیشتر یک سال خواهد بود). سازمان تامین اجتماعی (۱۳۹۰)

### (۳) غرامت دستمزد

در مواردی که بیمه شده به دلیل بیماری یا بروز حوادث ناشی و غیر ناشی از کار و یا بیماریهای حرفه‌ای، به طور موقت، توانایی انجام کار را نداشته باشد و به تبع آن از دریافت مزد و حقوق محروم شود، سازمان تامین اجتماعی با رعایت شرایط قانونی بخشی از حقوق و دستمزد او را در این مدت جبران می‌کند.

غرامت دستمزد ایام بیماری، در صورت برقراری شرایط زیر قابل پرداخت است:

الف) بیمه شده از کارافتاده کلی نباشد.

ب) کارفرما طبق ضوابط و مقررات دیگری مکلف به پرداخت حقوق بیمه شده بیمار خود نباشد.

ج) بیمه شده در ایام بیماری حقوق یا مزد از کارفرما دریافت ننموده باشد و برای وی مزد مطرح باشد.

د) استراحت پزشکی بیمه شده به تائید مراجع پزشکی ذیربط رسیده باشد.

ی) (در تاریخ اعلام بیماری، بیمه شده مشغول بکار بوده و یا در مرخصی استحقاقی باشد.

در موارد زیر، غرامت دستمزد ایام بیماری، از اولین روز شروع استراحت پزشکی پرداخت می‌شود:

(۱) در صورتی که استراحت بیمار به دلیل هر نوع حادثه یا به دلیل بیماری حرفه‌ای باشد.

(۲) در صورتی که بیمه شده بخشی از طول دوره استراحت) یا تمام آن (را در بیمارستان بستری شده باشد.

(۳) در صورتی که استراحت بیمار در ارتباط با عواقب بیماری قبلی او باشد.

(۴) در مواردی که کارفرما بر اساس ضوابط و مقررات مربوطه حقوق و مزایای سه روز اول بیماری را پرداخت نموده باشد.

در سایر موارد، غرامت دستمزد ایام بیماری از روز چهارم شروع استراحت پزشکی پرداخت می‌شود.

#### (۴) از کارافتادگی

حادثه ناشی از کار اتفاقی است پیش بینی نشده که تحت تاثیر عامل یا عوامل خارجی در اثر عمل یا اتفاقی ناگهانی رخ می‌دهد و باعث وارد آمدن صدمه بر جسم یا روان بیمه شده می‌شود.

هر اتفاقی حادثه تلقی نمی‌شود مگر آنکه شرایط زیر را داشته باشد:

الف) قابل پیش بینی نباشد.

ب) وقوع آن ناگهانی باشد.

ج) بر جسم یا روان شخص صدمه بزند.

د) حادثه متاثر از عامل یا عوامل خارجی باشد.

بر اساس ویژگی‌های فوق، اتفاقاتی از قبیل خودکشی که قابل پیش بینی است و یا سکت که تحت تاثیر عامل خارجی صورت نمی‌گیرد، حادثه ناشی از کار تلقی نمی‌شود. از نگاه قانون، حوادث ناشی از کار حادثی است که در حین انجام کار و یا به سبب آن در کارگاه یا موسسات وابسته و یا ساختمان‌ها و محوطه آن رخ می‌دهد و یا حادثی که در مسیر رفت و آمد بیمه شده به محل کار اتفاق می‌افتد و یا در اوقاتی که بیمه شده به دستور کارفرما در خارج از محوطه کارگاه مامور انجام کاری می‌شود. بنابراین حوادثی که در موارد زیر رخ می‌دهد، در حین انجام وظیفه و ناشی از کار محسوب می‌شود:

الف: تمام اوقاتی که بیمه شده در کارگاه یا موسسات وابسته به آن و یا ساختمان و محوطه کارگاه مشغول به کار است.

ب: در مواردی که طبق دستور کارفرما خارج از محوطه کارگاه مامور انجام کاری است.

ج: اوقاتی که جهت معالجات پزشکی به مراکز درمانی مراجعه می‌کند.

د: اوقات رفت و برگشت بیمه شده از منزل به محل کار و برعکس، مشروط براینکه در زمان عادی رفت و برگشت حادثه رخ دهد.

ه: زمانی که بیمه شده برای نجات سایر بیمه شدگان دچار حادثه شود.

و: بیماری‌های حرفه‌ای نیز در زمره حوادث ناشی از کار به حساب می‌آیند. بیماری حرفه‌ای مرتبط با کار است که به سبب اشتغال مداوم در بعضی از مشاغل حادث می‌شود، مثل آنکه بیمه شده ای به دلیل سر و کار داشتن با مواد سرطان‌زا مبتلا به سرطان شود.

ز : همچنین بیمه شدگانی که در جریان انقلاب اسلامی دچار حادثه ای شده اند حادثه آنان ناشی از کار تلقی می شود.

به موجب بند ۱۳ ماده ۲ قانون تأمین اجتماعی ایران: «از کارافتادگی کلی عبارت است از کاهش قدرت بیمه شده، به نحوی که نتواند با اشتغال به کار سابق یا کار دیگر بیش از یک سوم از درآمد قبلی خود را به دست آورد.»

بیمه شدگانی که طبق نظر پزشک معالج و مورد تایید سازمان، غیر قابل علاج تشخیص داده شوند، پس از انجام خدمات توانبخشی و اعلام نتیجه توانبخشی یا اشتغال، چنانچه طبق نظر کمیسیون های پزشکی مذکور در ماده ۹۱ این قانون، درجه کاهش قدرت کار آنان شصت و شش درصد و بیشتر باشد، و علت نیز حادثه ناشی از کار مربوطه باشد «از کارافتاده کلی» شناخته می شوند.

چنانچه چنین بیمه شدگانی در اثر حادثه ناشی از کار با بیماری حرفه ای از کارافتاده کلی شناخته شوند، بدون در نظر گرفتن مدت پرداخت حق بیمه، استحقاق دریافت مستمری از کارافتادگی کلی ناشی از کار را خواهند داشت.

میزان مستمری ماهانه از کارافتادگی کلی ناشی از کار عبارت است از یک سی ام مزد یا حقوق متوسط بیمه شده، ضرب در سنوات پرداخت حق بیمه، مشروط بر این که این مبلغ از پنجاه درصد مزد یا حقوق متوسط ماهانه او کمتر و از صد درصد آن بیشتر نباشد. در مورد بیمه شدگانی که دارای همسر بوده یا فرزند یا پدر یا مادر تحت تکفل داشته باشند و مستمری استحقاقی آنها از شصت درصد مزد یا حقوق متوسط آنان کمتر باشد، علاوه بر این، معادل ده درصد مستمری استحقاقی به عنوان کمک، مشروط بر آنکه جمع مستمری و کمک از ۶۰ درصد تجاوز نکند، پرداخت خواهد شد.

مزد یا حقوق متوسط ماهانه بیمه شده موضوع این ماده عبارت است از جمع کل مزد یا حقوق او که به مأخذ آن حق بیمه دریافت گردیده، ظرف هفتصد و بیست روز قبل از وقوع حادثه ناشی از کار با شروع بیماری حرفه ای که منجر به از کارافتادگی شده است تقسیم به روزهای کار، ضرب در سی.

وضعیت شخص از کارافتاده کلی ممکن است به صورت های زیر تغییر پیدا کند:

۱. شرایط از کارافتادگی بکلی از بین برود و شخص دوباره توانایی کار کردن را به دست آورد که در این صورت، به محض اشتغال مجدد وی، مستمری از کارافتادگی کلی قطع خواهد شد.

۲. میزان از کارافتادگی ناشی از کار به سی و سه تا شصت و شش درصد کاهش یابد که در این صورت، مطابق ماده ۷۳ قانون تأمین اجتماعی مستمری از کارافتادگی کلی ناشی از کار «به» مستمری از کارافتادگی جزئی ناشی از کار «تبدیل خواهد شد.

۳. میزان از کارافتادگی ناشی از کار به ده تا سی و سه درصد کاهش یابد که در این صورت، مطابق ماده ۷۴ قانون تأمین اجتماعی، به بیمه شده غرامت مقطوع نقص عضو پرداخت خواهد شد.

به موجب بند ۱۴ ماده ۲ قانون تأمین اجتماعی: «از کارافتادگی جزئی عبارت است از کاهش قدرت کار بیمه شده، به نحوی که با اشتغال به کار سابق یا کار دیگر فقط قسمتی از درآمد خود را به دست آورد.»

بیمه شدگانی که طبق نظر پزشک معالج، غیر قابل علاج تشخیص داده شوند، پس از انجام خدمات توانبخشی و اعلام نتیجه توانبخشی یا اشتغال، چنانچه طبق نظر کمیسیون های پزشکی مذکور در ماده ۹۱ این قانون، میزان کاهش قدرت کار آنان بین سی و سه تا شصت و شش درصد و به علت حادثه ناشی از کار باشد، «از کارافتاده جزئی» شناخته می شوند. ماده ۷۰ قانون تامین اجتماعی)

به چنین بیمه شدگانی «مستمری از کارافتادگی جزئی ناشی از کار» پرداخت خواهد شد که میزان آن عبارت است از حاصلضرب در صبر از کارافتادگی در مبلغ مستمری از کارافتادگی استحقاقی که طبق ماده ۷۲ این قانون تعیین می گردد). ماده ۷۳ قانون تامین اجتماعی)

مستمری از کارافتادگی جزئی ناشی از کار، ظرف پنج سال از تاریخ برقراری، قابل تجدید نظر است. امکان دارد در نتیجه تجدیدنظر معلوم گردد که وضعیت شخص از کارافتاده جزئی به یکی از صورت های زیر تغییر پیدا کرده است:

۱. شرایط از کارافتادگی جزئی ناشی از کار بکلی از بین رفته و شخص دوباره توانایی کامل کار کردن را به دست آورده است که در این صورت، مستمری او قطع خواهد شد.

۲. میزان از کارافتادگی جزئی ناشی از کار به ده تا سی و سه درصد کاهش یافته که در این صورت، مطابق ماده ۷۴ قانون تامین اجتماعی به بیمه شده غرامت مقطوع نقص عضو پرداخت خواهد شد.

۳. میزان از کارافتادگی جزئی ناشی از کار در نتیجه حادثه ای که منجر به از کارافتادگی شده به کمتر از شصت و شش درصد افزایش یافته که در این صورت، میزان مستمری از کارافتادگی جزئی ناشی از کار افزایش خواهد یافت.

۴. میزان از کارافتادگی جزئی ناشی از کار در نتیجه حادثه ای که منجر به از کارافتادگی شده به بیش از شصت و شش درصد افزایش یافته که در این صورت، مطابق بند «الف» ماده ۷۰ و مواد ۷۱ و ۷۲ قانون تامین اجتماعی، مستمری از کارافتادگی جزئی ناشی از کار به مستمری از کارافتادگی کلی ناشی از کار تبدیل خواهد شد). عراقی، سید عزت الله (۱۳۸۶)

### (۵) بازنشستگی

دوران بازنشستگی، با توجه به جنبه های مختلف، می تواند همراه با آسیب هایی باشد. از این رو نادرست نخواهد بود اگر بازنشستگی را از جمله خطرهای اجتماعی به شمار آوریم، خطری که همه شاغلان روزی با آن مواجه خواهند شد. بنابراین نقش نهاد تامین اجتماعی در ایجاد امنیت خاطر در برابر این خطر می تواند مهم باشد. از همین رو، انتظار چاره جویی در این زمینه از نهاد تامین اجتماعی هم مطرح است.

ضرورت توجه به مقوله «بازنشستگی «یا» پیری «شاید بر کسی پنهان نباشد، چرا که همگی روزی بدان گرفتار خواهند شد؛ ولی درک عمیق این ضرورت، نیاز به نگاه اجتماعی خاص دارد؛ نگاه از زاویه تحولات



اجتماعی؛ یعنی حرکت از جامعه سنتی به جامعه صنعتی یا مدرن. این فرایند، اعتبار نهادهای سنتی تأمین اجتماعی را کمرنگ کرده و ضرورت ایجاد نهادهای جدید تأمین اجتماعی را بیش از پیش نمایان ساخته است؛ خانواده گسترده که در گذشته به عنوان یک نهاد سنتی تأمین اجتماعی عمل می کرد، در جامعه مدرن امروز، واقعیت اجتماعی ندارد و خانواده هسته ای نیز به هیچ وجه نتوانسته جای خالی آن را پر کند. بنابراین، تأسیس نهادهای جدید تأمین اجتماعی مانند نهاد بازنشستگی ضروری می نماید. مندراس، هانری، گروبیچ، ژورژ. پرهام، باقر (۱۳۵۴)

طبق ماده ۷۶ قانون تأمین اجتماعی بیمه شدگان با داشتن یکی از پنج شرط زیر می توانند بازنشسته شوند:

۱ - حداقل ده سال حق بیمه مقرر را قبل از تقاضای بازنشستگی پرداخته و سن مرد به شصت سال تمام و سن زن به پنجاه و پنج سال تمام رسیده باشد. به موجب بند ب ۳-اصلاحیه مصوب ۱۴/۷/۱۳۸۰ حداقل سابقه پرداخت حق بیمه برای استفاده از مستمری بازنشستگی از تاریخ تصویب اصلاحیه هر سال یک سال افزایش خواهد یافت تا آنکه این حداقل به بیست سال تمام برسد بنابراین در پاییز سال ۱۳۹۰ مشمولین این بند با داشتن شرط سنی باید حداقل بیست سال سابقه پرداخت حق بیمه داشته باشند تا بتوانند بازنشسته شوند.

۲ - سی سال تمام کار کرده و حق بیمه مدت مزبور را پرداخته و سن مردان ۵۰ سال و سن زنان ۴۵ سال تمام باشد.

۳ - حداقل بیست سال متوالی و یا ۲۵ سال متناوب در مناطق بد آب و هوا کار کرده و یا به کارهای سخت و زیان آور اشتغال داشته و در هر مورد حق بیمه فوق را پرداخته باشند در مورد شاغلین کارهای سخت و زیان آور دو نکته خاص وجود دارد یکی این که هر سال سابقه پرداخت حق بیمه در این گونه مشاغل یک سال و نیم محسوب می شود و دو اینکه در اصلاحیه ماده ۷۶ در سال علاوه بر شرط سابقه پرداخت حق بیمه برای مردان ۵۰ سال و برای زنان ۴۵ سال شرط سن تعیین شده بود. که در اصلاحیه سال ۸۳ شرط سن حذف گردید البته در هر حال تأییدیه کمیسیون پزشکی جهت بازنشسته شدن بیمه شده ضروری است.

۴ - بیمه شدگانی که دارای ۳۵ سال تمام سابقه پرداخت حق بیمه باشند بدون شرط سنی می توانند تقاضای بازنشستگی کنند.

۵ - بیمه شده زن با داشتن ۴۲ سال سن و بیست سال سابقه پرداخت حق بیمه با دریافت بیست روز حقوق می تواند بازنشسته شود. استوار سنگری، کوروش (۱۳۹۰)

## (۶ فوت)

اگر بیمه شده اصلی فوت کند، بیمه تأمین اجتماعی وظیفه دارد هزینه ای بابت کفن و دفن به خانواده وی بپردازد که به آن هزینه فوت می گویند. از این طریق بیمه تأمین اجتماعی سعی می کند بخشی از هزینه های ایجاد شده را کاهش داده و به نوعی از خانواده بیمه شده حمایت کند. رضایی، حسین (۱۳۹۷)

اگر بیمه شده متوفی مرد باشد بازماندگان وی طبق ماده ۸۱ عبارتند از:

۱- عیال دائم بیمه شده متوفی مادام که شوهر اختیار نکرده است؛ همسران بیمه شده متوفی که شوهر اختیار نموده اند) عقد دائم (در صورت فوت شوهر دوم توسط سازمان تأمین اجتماعی مجدداً به آن‌ها مستمری پرداخت خواهد شد.

۲- فرزندان متوفی در صورتی که سن آنان کمتر از هیجده سال تمام و یا منحصراً به تحصیل اشتغال داشته باشند یا به علت بیماری یا نقص عضو طبق گواهی کمیسیون پزشکی قادر به کار نباشند.

۳- پدر و مادر متوفی در صورتی که اولاً تحت تکفل بوده و ثانیاً سن پدر از شصت سال و سن مادر از پنجاه و پنج سال تجاوز کرده باشد و یا به تشخیص کمیسیون پزشکی از کارافتاده باشند و در هر حال مستمری از سازمان دریافت ندارند.

بازماندگان بیمه شده زن طبق ماده ۸۲ با شرایط زیر از مستمری استفاده خواهند کرد:

۱- شوهر مشروط بر اینکه اولاً تحت تکفل زن بوده ثانیاً سن افراد از شصت سال متجاوز باشد یا طبق نظر کمیسیون پزشکی از کارافتاده بوده و در هر حال مستمری از سازمان دریافت نکند.

۲- فرزندان ذکور در صورتی که سن آنها کمتر از ۱۸ سال تمام می باشد و یا منحصراً به تحصیل اشتغال داشته تا پایان تحصیل و یا به علت بیماری و نقص عضو طبق گواهی کمیسیون پزشکی قادر به کار نباشند. پدر آن‌ها در قید حیات نباشد و یا مشمول بند یک گردد علاوه بر آن فرزندان اناث در صورتی که شوهر نداشته و دارای شغل و حرفه نباشند.

۳- پدر و مادر متوفی در صورتی که اولاً تحت تکفل بوده و ثانیاً سن پدر از شصت سال و سن مادر از پنجاه و پنج سال تجاوز کرده باشد و یا به تشخیص کمیسیون پزشکی از کارافتاده باشند و در هر حال مستمری از سازمان دریافت ندارند). استوار سنگری، کوروش (۱۳۹۰)

## ۷) کمک ازدواج

در ماده ۸۵ قانون تأمین اجتماعی آمده است که «کمک ازدواج به بیمه شده زن یا مردی که برای اولین بار ازدواج میکنند معادل یک ماه متوسط مزد یا حقوق با داشتن شرایط زیر پرداخت می شود:

(۱) در تاریخ ازدواج رابطه استخدامی او با کارفرما قطع نشده باشد.

(۲) ظرف پنج سال قبل از تاریخ ازدواج حداقل حق بیمه هفتصد و بیست روز کار را به سازمان پرداخته باشد.

(۳) عقد ازدواج دائم بوده و در دفتر رسمی ازدواج به ثبت رسیده باشد.

(۴) ازدواج اول بیمه شده باشد.

تبصره ۱: مزد یا حقوق متوسط موضوع این ماده عبارت است از جمع دریافتی بیمه شده ظرف دو سال قبل از ازدواج که به ماخذ آن حق بیمه پرداخت شده است تقسیم بر ۲۴.

تبصره ۲: در صورتی که طرفین عقد ازدواج واجد شرایط مذکور در این ماده باشند کمک ازدواج به هر دو نفر داده خواهد شد.»

درخواست کمک ازدواج مقید به مهلت نیست و هیچ محدودیت زمانی وجود ندارد. بنابراین در صورتی که مدت زمان زیادی نیز از زمان عقد بیمه شده گذشته ولی وی حائز شرایط لازم باشد، می تواند این کمک را دریافت کند.

فردی که در زمان ازدواج اول، شرایط لازم برای دریافت کمک هزینه ازدواج را نداشته اما برای ازدواج دوم این شرایط را دارا باشد، نمی تواند از این کمک هزینه برخوردار شود.

هدف از پرداخت کمک هزینه ازدواج، ترغیب بیمه شدگان به ازدواج است که در راستای نیل به این هدف، سازمان تأمین اجتماعی این هدیه را به بیمه شدگانی که برای اولین بار تشکیل خانواده می دهند، می پردازد.

### (۸) بیمه بیکاری

از نظر قانون بیمه بیکاری، بی کار به شخص بیمه شده ای گفته می شود که بدون میل و اراده خود بی کار شده و اکنون آماده به کار است و می تواند در محیط کار جدید فعالیت خود را آغاز کند.

براساس قانون، اگر فرد بیمه شده به علت تغییرات ساختار اقتصادی محل کار و بنا به تشخیص وزارتخانه مربوطه و تأیید شورای عالی کار، شغل خود را از دست دهد، «بیکار موقت» شناخته می شود و مشمول قانون بیمه بیکاری است. این قانون در مورد بیمه شدگانی که به خاطر حوادث غیرمترقبه مانند سیل، زلزله، جنگ و آتش سوزی شغل خود را از دست می دهند نیز صدق می کند.

ارادی یا غیرارادی بودن بیکاری فرد، به تشخیص کمیته ای متشکل از نمایندگان سازمان تأمین اجتماعی و اداره کار و امور اجتماعی محل اشتغال بیمه شده بستگی دارد.

با وجود شرایط ذیل، بیمه بیکاری به اشخاص مشمول تعلق می گیرد:

۱. مشمول قانون کار و تأمین اجتماعی باشید
۲. تبعه کشورهای دیگر نباشید
۳. مستمری بگیر، بازنشسته یا از کارافتاده نباشید
۴. پیش از بی کاری، حداقل یک سال سابقه پرداخت حق بیمه داشته باشید
۵. کارفرما، دارای شغل آزاد یا بیمه شده اختیاری نباشید
۶. به صورت غیر ارادی از کار اخراج شده باشید
۷. بیکاری خود را تا ۳۰ روز پس از اخراج به اداره کار اعلام نمایید (البته در موارد خاص، بیش از ۳۰ روز نیز امکان پذیر است).

نکته قابل توجه ای است که افراد بیمه شده ای که به دلیل بروز حوادث غیرمترقبه مانند جنگ، زلزله، آتش سوزی و سیل کار خود را از دست می دهند، برای دریافت بیمه بیکاری نیازی به داشتن سابقه پرداخت حق بیمه

برای مدت زمان مشخص را ندارند. این افراد حتی اگر در اولین روز کاری خود نیز بر اثر چنین حوادثی بی کار شوند، در صورت داشتن سایر شرایط، واجد شرایط بیمه بیکاری خواهند بود.

کارگران فصلی در صورتی که صرفاً در اثنای فصل کار اخراج گردیده و بیکاری آنها بلا اراده تشخیص داده شود مشمول دریافت مقرری بیمه بیکاری خواهند بود. بیکاران دارای قرارداد کار با مدت معین در صورتی که براساس رأی مراجع حل اختلاف در اثنای مدت قرارداد اخراج گردیده باشند مشمول استفاده از بیمه بیکاری خواهند بود.

افراد شاغل در کارهایی که ماهیت آن جنبه دائمی دارد و براساس قرارداد کار در مدت معینی مشغول کار بوده اند، با تشخیص واحدهای کار و اموراجتماعی، در صورتی که در پایان قرارداد بیکار شوند مورد حمایت قرار گرفته و مشمول دریافت مقرری بیمه بیکاری خواهند شد.

## ۹) جرم انگاری

قانونگذار در فصل ۱۱ قانون تامین اجتماعی و به موجب ماده ۹۷ و مواد بعد از آن اقدام به جرم انگاری و اعلام مصادیق جرائم مدنظر و تعیین کیفر برای آن نموده است که در ظاهر و در باطن، موارد و مصادیق اعلامی از موارد جرم کلاهبرداری نیست. چرا که اگر قصد قانونگذار مصداق انگاری برای جرم کلاهبرداری بود می توانست به جای اعلام میزان مجازات عمل ارتكابی را از مصادیق کلاهبرداری اعلام کند، کما اینکه در ماده یک قانون مجازات راجع به انتقال مال غیر مصوب فروردین ۱۳۰۸ و یا ماده ۱۰۷ قانون ثبت اسناد و املاک نیز چنین نموده و عمل ارتكابی را از مصادیق کلاهبرداری عنوان داشته و مرتکب را مستحق تحمل مجازات کلاهبرداری دانسته است. به نظر می رسد ضمانت اجرای مقرر در این فصل تنها محدود به جرائمی که علیه سازمان تامین اجتماعی صورت می گیرد نیست بلکه ضمانت اجرای پیش بینی شده برای هرگونه نقض قانون و مقررات تامین اجتماعی به هر شکل که صورت پذیرد می باشد به طوری که حتی به عنوان مثال جرم اعلامی در ماده ۱۰۳ ظاهراً هیچ زیانی را آن گونه که در ماده ۹۷ بیان گردیده به سازمان وارد نمی آورد، لیکن جرم مذکور در این ماده از جمله جرائم خاص است که چنانچه عمل ارتكابی با مصادیق قانون مجازات اسلامی تطبیق نیافت امکان مجازات بر اساس ماده ۱۰۳ قانون تامین اجتماعی وجود داشته باشد. این امر در دیگر مواد نیز به چشم می خورد به عنوان مثال در ماده ۱۰۴ قانون تامین اجتماعی ظاهراً مقنن در پی جرم انگاری در خصوص زمانی است که به اموال سازمان زیان وارد شده لیکن مورد از مصادیق اختلاس یا تصرف غیرقانونی اموال و دارایی سازمان محسوب نمی شود بوده است تا در این صورت مرتکب به موجب ماده ۱۰۴ کیفر شود. در ماده ۱۰۵ نیز به جرم صدور گواهی خلاف واقع که موجب زیان سازمان و بهره مندی ناروایی شخص از امکانات تعریف شده باشد می پردازد. همچنین ماده ۱۰۹ قانون فوق الذکر نیز مسئولیت کیفری شخصیت های حقوقی را مد نظر قرار داده است، این در حالی است که بسیاری بر این باورند که شخصیت های حقوقی فاقد مسئولیت کیفری هستند. اما در واقع مفهوم شخصیت حقوقیتعبیری اعتباری از تاسیس حقوقی است که به مرور زمان و با پیشرفت تمدن به وجود آمده است (اردبیلی، محمد علی (۱۳۸۰))

قانونگذار علاوه بر این ماده در موارد دیگری نیز مسئولیت کیفری شخصیت‌های حقوقی را پذیرفته است از جمله این موارد می‌توان به ماده ۴ قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و موارد خوردنی اشاره نمود که خود نشان دهنده قصد و نیت قانونگذار برای تسهیل رسیدگی و مجازات مرتکبین است که به موجب مواد فوق گفته مرتکب یکی از مصادیق یا هر عمل شده‌اند که به سازمان یا اموال سازمان زیان وارد کرده و موجب بهره مندی خود خانواده یا ثالث به شکل ناروا از امکانات تعریف شده سازمان گردیده است

### نتیجه گیری

دولت رفاه یکی از پدیده های سیاسی توده گرای قرن بیستم است. دولت رفاه به دست سیاستمدارانی پایه ریزی شد که مظهر قدرت توده ها بودند و از ترس نیروی اجتماعی توده مردم به خود مردم پناه بردند. البته مسلم است که دولت رفاه به تائسی از الگوی حکومت سوسیالیستی پدید آمد و هدفش باز داشتن توده ها از توسل به انقلاب سوسیالیستی بود. اگرچه توده ها دخالت مستقیمی در پدید آوردن دولت رفاه نداشتند، اما به صورتی نامستقیم صحنه گردان اصلی در پیدایش، نضج و حتی افول دولت رفاه بودند. یکی از این موارد که در تضعیف دولت های رفاه نقش ایفا نموده تخلفات و سواستفاده های مکرری است که شهروندان سودجو با نقض قوانین موجبات بهره مندی ناروا از امکانات و خدمات ارائه شده از طرف دولت را فراهم آورده اند که نهایتاً بسیاری از دولت ها را در اراده و تامین هزینه های سنگین خدمات رفاهی با مشکل مواجه نموده است. دولت رفاه، نتیجه به عهده گرفتن مسوولیت آشکار بهزیستی و رفاه تمام مردم از سوی یک دولت قانونی و رسمی است و در معنای خاص دلالت بر وضعیت ویژه ای دارد که در آن دولت های طرفدار اقتصاد آزاد تامین پایه ای ترین خدمات اجتماعی و ارائه سطوح معینی از خدمات رفاهی به توده های نیازمند را به منظور ایجاد تعادل و توازن اجتماعی و سیاسی به عهده می گیرند.

مفهوم سیاست اجتماعی مستقل ناشناخته است چرا که با این سیر تحول هیچگاه سیاست اجتماعی مدون برای انجام برنامه های اجتماعی تدوین نشد. در یک کلام می توان گفت؛ گفتمان سیاست اجتماعی در کشور وجود ندارد. در واقع در چند دهه گذشته سیاست اجتماعی نداشته ایم و شرایط سیاسی اقتصادی اجتماعی منجر به حفظ دامنه نابرابری شده است. در این راستا پیوند بین قدرت و ثروت و سیاستهای همسو با منافع ثروتمندان به این موضوع دامن زده است، چنانکه علی رغم افزایش درآمد هیچ گونه بهبود قابل توجهی در زندگی و کیفیت زندگی مردم دیده نمی شود. زمانی که نهادهای حامی توسعه در جامعه به وظایف خود عمل نمی کنند نهادهای ضد توسعه همچون فساد اداری حضور محسوس و وافی دارند.

تعدد نهادهای اجرایی که بودجه کلانی از دولت را به خود اختصاص می دهند و در عین حال توان پوشش حداکثری را ندارند، موازی کاری سازمانی و فعالیت های تکراری در کنار ساختارهای ناکارآمد سستی و کارشناسی ضعیف) عاملیتها (منجر به پراکندگی گسترده در عرصه رفاهی کشور شده است. فقدان مسئولیت روشن و مستقیم بر رفاه کشور و فقدان شفافیت نظارت دولت بر بخش رفاهی مشهود است. چنین ساختاری نیازمند اصلاح است اما ایجاد منفعت های فردی) در سطح مقامات سازمانی و میانی (این اصلاح ساختار را تحت تأثیر قرار می دهد. این منافع تعارض بین سازمانها را دامن می زند دولت چه قبل و چه بعد از انقلاب نتوانسته بر منافع موجود در سازمان ها غلبه کرده و بنیادهای رفاهی را تحت نظارت در آورد. ساختارهای غیر رسمی موجود در سازمانها که پنهان از ارزیابی ها و نگاه ناظران بیرونی است، منافع موجود و صاحبان منافع را حمایت می کند و اجازه تغییر ساختارها را نمی دهند.

در نهایت می‌توان گفت هرچند «قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی» «محصول رشد یافتگی جامعه ایران در طی مسیری پیوسته و وابسته است اما مجموعه عوامل فرهنگی، سیاسی و اجتماعی مانند جرائم مندرج در ماده ۹۷ به بعد قانون تأمین اجتماعی باعث ناکارآمدی نظام رفاهی در ایران شده است.

## منابع

### منابع فارسی

۱. کورش استوار سنگری، حقوق تأمین اجتماعی، چاپ سوم) تهران: انتشارات بنیاد حقوقی میزان، (۱۳۹۰)
۲. داریوش آشوری، دانشنامه سیاسی) تهران: مروارید، (۱۳۷۳)
۳. عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، رساله نوین امام خمینی) ره، چاپ اول) تهران: موسسه انجام، (۱۳۶۳)
۴. دفتر بین‌المللی کار، تأمین اجتماعی، راهنمای آموزش کارگران، سال ۱۹۹۲، ترجمه ابوالقاسم نوروز طالقانی) تهران: موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، (۱۳۷۳)
۵. علی رحیق اغصان، دانشنامه در علم سیاست) تهران: فرهنگ صبا، (۱۳۸۴)
۶. سید عزت‌الله عراقی، درآمدی بر حقوق تأمین اجتماعی) تهران: ناشر موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، (۱۳۸۶)
۷. سید عزت‌الله عراقی، اهمیت و جایگاه حقوق تأمین اجتماعی، فصلنامه حقوق تأمین اجتماعی، سال اول، زمستان ۱۳۸۲
۸. مسعود کوهستانی نژاد، اختیارات، اصلاحات و لوایح قانونی دکتر محمد مصدق) تهران: نشر نی، (۱۳۸۳)
۹. جیمز میجلی، رفاه اجتماعی در جهان، ترجمه محمدتقی جغتایی، چاپ اول) تهران: انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی، (۱۳۷۸)
۱۰. ایروان مسعود اصل، نظام رفاه اجتماعی در جهان) مطالعه تطبیقی) (تهران: نشر مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، (۱۳۸۸)
۱۱. سید سعید میرمحمدی، بررسی نظام دولت رفاه، نخستین کنگره بین‌المللی جامع حقوق، ۱۳۹۴
۱۲. مقدمه ای بر تأمین اجتماعی، ترجمه ابوالقاسم نوروز طالقانی) تهران: موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، (۱۳۷۴)
۱۳. نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی) خلاصه گزارش) (موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی) تهران: موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، (۱۳۷۹)
۱۴. عمران نعیمی، قانون تأمین اجتماعی در نظم حقوق کنونی، چاپ اول) تهران: شرکت زیتون چاپ بهاران، (۱۳۸۹)
۱۵. سید محمد هاشمی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران) اصول و مبانی کلی نظام) (جلد اول) تهران: نشر میزان، (۱۳۸۲)
۱۶. هانری مندراس، ژرژ گوروچ، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه باقر پرهام) تهران: امیرکبیر، (۱۳۵۴)

### منابع انگلیسی

- Durand (P) et jaussaud (R): traite de droit du travail, T.1.Paris,1997.
- Farmer, D. H. (1995). The language of public administration: Bureaucracy, modernity, and post-modrenity, Tucaloosa, AL: University of Alabama Press.
- Michels, R. (1952). Conservative basis of organization. In: R. K. Merton et al. (Eds.). Bureaucracy. London: Collier-Macmillan Limited.
- Wood, G. & Gough, I. (2006). A Comparative Welfare Regime Approach ti Global Social Policy. Wprld Development, 34, 10.

### سایت

۱. محمد علی زندی، دولت رفاه، پژوهشکده باقرالعلوم، ۲۴ آبان ماه ۱۳۹۳،
۲. باشگاه خبرنگاران جوان، ۸ وظیفه تامین اجتماعی در قبال بیمه‌شدگان + جزئیات، تیرماه ۱۳۹۸،
۳. سازمان تامین اجتماعی اداره کل مرکزی، آشنایی با قوانین سازمان تامین اجتماعی غرامت دستمزد ایام بیماری، مهرماه ۱۳۹۰،
۴. سازمان تامین اجتماعی اداره کل مرکزی، آشنایی با قوانین سازمان تامین اجتماعی در حوادث ناشی از کار، مرداد ماه ۱۳۹۴،
۵. سازمان تامین اجتماعی اداره کل مرکزی، آشنایی با قوانین سازمان تامین اجتماعی در بیمه بیکاری، مهرماه ۱۳۹۰،
۶. حسین رضایی، بررسی وظایف سازمان تامین اجتماعی در قبال بیمه‌گزار، بهمن ماه ۱۳۹۷